

ما را از سر بریده نترسانید

دکتر سعید ماسوری زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر و از همبندیان سابق فرزاد کمانگر ، علی حیدریان و فرهاد وکیلی با نگارش نامه ای از زندان رجایی شهر یاد یاران جانباخته را گرامی داشت.

در اوضاع به شدت بحرانی کشور، خبر اعدام دوستان دیر یافته‌ام را که در زندان آشنا شده و سالها را با آنها در سلولهای ۲۰۹ گذرانده بودم را شنیدم. شاید تصور میکنند که با اعدام آنها ما و مردمانمان را مرعوب و وحشت زده کرده اند. ای وای بر ما اگر اعدام دوستان و هموطنانمان بجای انگیزش بیشتر ما را مرعوب سازد...

راستی در شرایطی که تنها برای انسان بودن راهی جز تحمل زندان و شکنجه و اعدام باقی نگذاشته اند و سزای یک قطره آزادگی و انسانیت، زندان و شلاق و اعدام است چه باید کرد؟ و کسانی که بر سر چنین جنایتی سکوت میکنند مرز انسان بودن و نبودن را در کجا ترسیم میکنند؟ هیتلر صدها هزار کشته و مجروح بر جای گذاشته بود که تازه آنهایی که می‌بایستی بفهمند متوجه شدند که هیتلر آقا نیست و مذاکره بی فایده است. آیا باز هم همان قدر هزینه لازم است؟ به هر حال من به سهم خودم برای اینکه بگویم چقدر مرعوب این اعدامها شده‌ام آماده‌ام که بعد از این ۵ نفر، نفر ششم! و آماده اعدام بشوم. یاد همه آنها و کسانی که اینچنین خونشان در رگهای تاریخ جاری شد گرامی باد...

ز پا ننشست آتش تا نشد خاکستر اجزایش به سعی زیستن هم، غیرت کار اینچنین باید

دکتر سعید ماسوری (زندانی گوهردشت)

اردیبهشت ۱۳۸۹

منبع : خبرگزاری هرانا

وارد شده: 24 اردیبهشت 1389 - 14 مه 2010